

خبر

مسافر کش، جیب‌بر حرفه‌ای از کار در آمد

گروه حوادث: سارقی که تحت پوشش مسافر کش دست به دزدی می‌زد به ۵۰ فقره جیب‌بری در کرمانشاه و بندرعباس اعتراف کرد.
سرهنگ اسفندیار امیدى در این باره گفت: ماموران در پی شکایت فردی مبنی بر اینکه به عنوان مسافر سوار یک دستگاه خودرو سواری شده اما در بین راه سر نشین و راننده خودرو وی را مورد ضرب و جرح قرار داده و مبلغ ۱۰۰ هزار تومان وجه نقد وی را به سرقت برده‌اند، به تحقیق در این باره پرداختند.
امیدى با اعلام اینکه با راهنمایی مالباخته و کسب اطلاعات خودرو وسارقان، مالک خودرو شناسایی شد، گفت: در تحقیقات به‌عمل آمده از مالک خودرو مشخص شد خودرو در اختیار شوهر وی که فردی سابقه‌دار است، قرار دارد. این مقام انتظامی افزود: سرانجام با پیگیری ماموران، متهم در یکی از محلات کرمانشاه دستگیر شد و در بازجویی‌های فنی و تخصصی به ۳۰ فقره جیب‌بری در شهر کرمانشاه و ۲۰ فقره جیب‌بری در شهر بندرعباس با همکاری سه فرد دیگر اعتراف کرد.
رئیس پلیس آگاهی فرماندهی انتظامی استان کرمانشاه تصریح کرد: تلاش برای دستگیری سایر متهمان توسط ماموران ادامه دارد.

اعتراف سارق سابقه‌دار به ۳۵ بار دزدی

گروه حوادث: یک سارق سابقه‌دار که بعد از آزادی از زندان دست از اعمال خلاف نکشیده بود این بار به اتهام ۳۵ فقره گردنبندقاپی و سرقت موتورسیکلت دستگیر شد.
به گفته سرهنگ «علی قضاپی» سرپرست فرماندهی انتظامی شهرستان اسلامشهر، ماموران پلیس سه‌شنبه حین گشت‌زنی در سطح حوزه استحفاظی خود به فردی مظنون شدند و وقتی قصد داشتند به وی نزدیک شوند آن شخص پا به فرار گذاشت با این وجود ماموران موفق شدند وی را دستگیر کنند.
سرهنگ قضاپی توضیح داد: با توجه به اینکه تعدادی از شهروندان به پلیس آگاهی مراجعه کرده و سرقت موتورسیکلت و گردنبندقاپی را اعلام کرده بودند و با توجه به چهره‌نگاری‌های انجام‌شده و بررسی سوابق متهم دستگیرشده به نام «ناور» مشخص شد او از سارقان سابقه‌دار است که دردی‌های اخیر را انجام داده است. این مقام انتظامی تصریح کرد: نادر در بازجویی‌ها ابتدا منکر هر گونه سرقت شد ولی سرانجام با ارائه دلایل و مدارک و شناسایی توسط برخی از شکات، به ناچار لب به اعتراف گشود و گفت: مرتکب ۳۵ فقره سرقت از قبیل ۲۱ فقره گردنبندقاپی، ۱۰ فقره سرقت موتورسیکلت و چهار فقره سرقت داخل خودرو شده است.
سرپرست فرماندهی انتظامی شهرستان اسلامشهر خاطر نشان کرد: با بازسازی صحنه‌های سرقت از سوی سارق سابقه‌دار، اموال مالبایختگان کشف و متهم برای سیر مراحل قانونی تحویل مراجع قضایی شد.

جوبه دار، فرجام قتل در نزاع خیابانی

حکم قصاص مردی که در جریان یک درگیری مرتکب قتل شده بود، در دیوان عالی کشور تایید شد.
به گزارش فارس، ۹ آبان ۱۳۸۳، ماموران کلانتری بهارستان از وقوع یک فقره درگیری جمعی منجر به قتل در خیابان امین‌حضور باخبر و با حضور در محل حادثه متوجه شدند، تعدادی جوان به دلایل نامعلومی با هم درگیر شده‌اند که در این درگیری جوانی به نام روح‌الله بر اثر اصابت چاقو به قتل رسیده است.
با انجام تحقیقات اولیه و اظهارات شاهدان حادثه، عامل قتل جوانی به نام مهیار ملقب به «علی‌بابا» بود که بعد از درگیری متواری شده و نشانی مشخصی از وی در دست نبود.
حدود یک ماه از وقوع قتل گذشته بود که مشخص شد «علی‌بابا» به اتهام اخلا در نظم عمومی دستگیر و به زندان قزلحصار کرج منتقل شده است.
ماموران با حضور در زندان قزلحصار وی را شناسایی کردند.
متهم در تحقیقات اولیه منکر ارتکاب قتل شد ولی در ادامه مراحل تحقیقات به وارد کردن دو ضربه چاقو به بدن مقتول اعتراف کرد.
بعد از انجام تحقیقات، پرونده به دادگاه کیفری استان تهران ارسال شد و او در شعبه ۲۴ دادگاه کیفری استان تهران محاکمه شد.
بعد از اینکه متهم به قتل در پی برخورد چرخ‌دستی قربانی با وی اعتراف کرد حیات قضات او را به قصاص محکوم کردند سپس پرونده به دیوان عالی کشور ارسال شد و قضات شعبه ۱۱ بعد از بررسی و مشورت، حکم دادگاه بدوی را تایید کردند.

در خواست طلاق به خاطر دستبخت همسر

گروه حوادث: مردی به خاطر آنکه غذاهای همسرش بد مزه می شوند او را به دادگاه خانواده کشاند تا به زندگی مشترکشان پایان بدهد.
به گزارش خبرنگار ما، این مرد صبح دیروز همراه با همسرش به شعبه ۲۳۵ مجتمع قضایی خانواده محلاتی رفت و گفت: سه سال است که با یکدیگر زندگی می‌کنیم اما در این مدت همسرم هیچ وقت غذای خوب و خوشمزه برایم درست نکرده و دائم غذاهایش می‌سوزد یا شفته می‌شود. او ادامه داد: همسرم اصلاً آشپزی بلد نیست و من دائم مجبورم غذاهای سوخته یا نیمخه‌اش را بخورم.
من فقط ۲۴ سال سن دارم و دوست دارم همسرم کدبانو باشد ولی او هیچ کاری نمی‌کند و غذاهایی که درست می‌کند بسیار بد مزه است.
بعد از اظهارات این مرد، همسرش با تایید حرف‌های او گفت: من تمام تلاشم را می‌کنم تا شوهرم را راضی نگه دارم. برای پختن غذای خوب خیلی تلاش می‌کنم اما در این کار بی‌استعدادم و باز هم غذاهایم بد مزه و شوهرم از من ناراضی می‌شود.
من نمی‌خواهم از او جدا شوم و حاضرم بیشتر سعی کنم و به کلاس آشپزی بروم تا همسر ایده‌آل باشم.
اگر او به من مدتی مهلت بدهد قول می‌دهم برایش غذاهای خوشمزه‌ای درست کنم.
با وجود حرف‌های این زن، شوهرش که همچنان خواستار جدایی از او بود، گفت: دیگر نمی‌توانم در کنار همسرم زندگی کنم و باید هرچه زودتر او را طلاق دهم.
بعد از اظهارات این زوج قاضی به گفت‌وگو با آنان پرداخت و سرانجام آنها را از جدایی منصرف کرد.

گروه حوادث: جوانی که شیفته دختری

نوجوان شده بود برای آنکه با وی ازدواج کند از مادر دختر مورد علاقه‌اش فیلم غیراخلاقی تهیه کرد.

به گزارش خبرنگا ما چندی قبل مردی نزد پلیس شیراز رفت و از پسری جوان به خاطر تهیه فیلم غیراخلاقی از همسرش شکایت کرد. او گفت: چندی قبل جوانی به نام شهاب به خواستگاری دختر نوجوانم آمد اما چون او کم‌سن و سال است من با ازدواج وی مخالفت کردم. مخالفت من باعث شد پسروان با خشم از خانه‌مان خارج شود. فکر می‌کردم شهاب چند روز بعد این ماجرا را فراموش می‌کند اما هنوز یک هفته از این ماجرا نگذشته بود که فهمیدم او همسر را فریب داده و از او تصاویر غیراخلاقی تهیه کرده است. شهاب من را تهدید کرد در صورتی که با ازدواج دخترم با او موافقت نکنم فیلم‌ها را منتشر می‌کند.

در پی اظهارات این مرد، همسرش تحت بازجویی قرار گرفت تا جزئیات رابطه‌اش با پسر جوان و تهیه فیلم‌های غیراخلاقی را بازگو کند. وی به افسران ویژه آگاهی گفت: سال‌ها قبل با شوهرم جواد ازدواج کردم. ما زندگی خوبی داشتیم اما به تدریج با یکدیگر دچار اختلاف شدیم. شوهرم وضعیت مالی خوبی نداشت و همین موضوع باعث شد زندگی سسختی داشته باشیم. به هر سختی بود زندگی را می‌گذراندم. در این سال‌ها صاحب یک دختر شدیم و مدتی زندگی‌مان گرم‌تر شد اما مخارج زیاد همچنان زندگی را بر ما سخت کرده بود. در حالی که مشکلات زندگی‌ام ادامه داشت یک روز به طور اتفاقی در خیابان با پسر جوانی به نام شهاب آشنا شدم. او جوان خوب و

خوش‌قلبی به نظر می‌رسید و از آن به بعد هراز چندگاهی سراغش می‌رفتم تا درد دل کنم. شهاب که از مشکلات مالی من اطلاع داشت گاهی به من کمک مالی می‌کرد. در شرایطی که هر روز اختلافم با شوهرم بیشتر می‌شد کم‌کم شهاب به نزدیک‌ترین فرد در زندگی‌ام تبدیل شد. درد دل کردن برای او به من آرامش می‌داد و کمک می‌کرد سختی‌های زندگی‌ام را فراموش کنم. کم‌کم دخترم نگار بزرگ شد. یک روز که همراه او بیرون رفته بودم شهاب را دیدم. به خاطر اینکه دخترم از رابطه ما چیزی نفهمد شهاب جلو نیامد. بعد از آن شهاب

زور گیری به خاطر مصرف شیشه



گروه حوادث: دو جوان شرور که با تهدید چاقو دست به زور گیری زده بودند بعد از دستگیری مصرف شیشه را علت اصلی این کارشان اعلام کردند.
به گزارش خبرنگار ما، ساعت ۱۲:۴۵ روز ششم مهرماه راننده یک دستگاه خودرو زانتیا که از خیابانی در منطقه عبدالآباد می‌گذشت با دیدن ماموران کلانتری سراغ آنها رفت و در حالی که رنگش پریده بود درخواست کمک کرد. او گفت: لحظاتی قبل دو زورگیر که سوار یک دستگاه پراید سفیدرنگ بودند راهم را بستند و با تهدید چاقو و قمه مبلغ ۹۰۰ هزار تومان پول نقد را که همراهم بود سرقت کردند. بعد از آن من سوار خودروام شدم و از آنها سبقت گرفتم و به احتمال زیاد تا چند لحظه دیگر آنها از این خیابان عبور خواهند کرد.
چند دقیقه بعد از این اظهارات همان طور که مالباخته پیش‌بینی کرده بود خودرو سارقان به نزدیکی آنجا رسید. ماموران با دیدن خودرو متهمان خیابان را مسدود کردند اما دو متهم خیابان را دور زدند و در خلاف مسیر حرکت سایر خودروها فرار کردند. در جریان فرار سارقان خودرو آنها با چندین دستگاه خودرو برخورد کرد اما آنها بی‌اعتنا به دستور ایست پلیس همچنان به راه خود ادامه می‌دادند تا اینکه وقتی یک دستگاه خودرو پیکان سر راه متهمان قرار گرفت راننده نتوانست خودرو را کنترل کند و با پیکان برخورد کرد و متوقف شد. پس از این تصادف شدید دو متهم قصد داشتند با پای پیاده به فرارشان ادامه دهند اما ماموران سر رسیدند و آنها را بازداشت کردند.
در بازرسی از خودرو دستگیرشدگان دو قبضه سلاح بسرد و همچنین مبلغ ۹۳۰ هزار تومان پول دزدی کشف شد.
دو متهم در بازجویی‌های مقدماتی اتهام زورگیری از راننده زانتیا را پذیرفتند اما چون ممکن بود آنها در سرقت‌های دیگری نیز دست داشته باشند به دستور دادیار شعبه ششم دادرسی ناحیه ۲۷، متهمان در اختیار کارآگاهان پایگاه پنجم پلیس آگاهی قرار گرفتند تا تحقیقات از آنها ادامه پیدا کند.
شاکای پرونده که برای پیگیری ماجرا به پلیس آگاهی رفته بود دربارہ چگونگی وقوع سرقت به ماموران گفت: خودرو سارقان به طور ناگهانی راهم را مسدود کرد و من مجبور شدم توقف کنم. در یک لحظه دو جوان قوی‌هیکل را

حوادث

متهم در دادگاه جرمش را پذیرفت

تهیه فیلم غیراخلاقی از مادر برای ازدواج با دختر



چندمرتبه دیگر نگار را دید تا اینکه یک روز گفت به او علاقه‌مند شده و می‌خواهد به خواستگاری‌اش بیاید. من که از شنیدن این حرف جا خورده بودم فکر کردم او با من شوخی می‌کند اما شهاب در تصمیم‌اش جدی بود و گفت اگر مانع ازدواج او با نگار شوم نزد شوهرم می‌روم و رابطه‌مان را برپا می‌کند. سرانجام تسلیم خواسته‌اش شدم و قرار شد او خودش سراغ شوهرم بیاید و از نگار خواستگاری کند. برخلاف تصور اولیه من، شوهرم قبول کرد که او و خانواده‌اش به خانه‌مان بیایند. در جلسه خواستگاری وقتی شهاب خواسته‌اش را مطرح

قاتلی پس از چهار سال پای میز محاکمه نشست

زاهدان شناسایی و در یک عملیات ضربتی دستگیر کنند.
به دستگیری این قاتل و ارائه مدارک مستند و بازجویی‌های به‌عمل‌آمده، راز یک جنایت دیگر توسط این فرد در شهرستان زاهدان افشا و مشخص شد او فردی به نام «خدابخش ش» را هم به صورت مسلحانه در همان سال به قتل رسانده و متواری شده بود. سردار تکویی گفت: ماموران در ادامه تحقیقات خود

کرد شوهرم گفت چون نگار کم‌سن و سال است ازدواج برای او خیلی زود است. شوهرم بعد از آنکه صحبت مفصلی در این باره کرد، گفت با ازدواج شهاب و نگار مخالف است. شهاب که از حرف‌های همسرم عصبانی شده بود از خانه‌مان بیرون رفت. چند روز بعد در حالی که فکر می‌کردم همه چیز تمام شده است شهاب تماس گرفت و گفت می‌خواهد با من صحبت کند. من هم که از نقشه او بی‌خبر بودم دور از چشم شوهرم به خانه‌اش رفتم. او در را قفل کرد و من را مورد آزار و اذیت قرار داد. بعد از آن در حالی که شرایط روحی خوبی نداشتم از آنجا خارج شدم اما چند ساعت بعد شهاب با من تماس گرفت و گفت از من تصاویر غیراخلاقی تهیه کرده است و اگر شرایط ازدواج دختر نوجوانم را با او مهیا نکنم وی تصاویر را منتشر و ماجرای رابطه‌ام با او را افشا می‌کند. من هم که دستم از همه جا کوتاه بود همه ماجرا را برای شوهرم تعریف کردم.

به دنبال اظهارات این زن، گروهی از ماموران خانه شهاب را محاصره و او را دستگیر کردند. شهاب در بازجویی‌های اولیه اتهامش را پذیرفت و گفت واقعا به نگار علاقه دارم و همه این کارها را برای زندگی با او انجام داده است. با توجه به اعترافات این مرد، پرونده برای رسیدگی نهایی به شعبه اول دادگاه انقلاب اسلامی شیراز ارسال شد. در جلسه محاکمه متهم بار دیگر به جرمش اعتراف و نسبت به دختر نوجوان شاکای ابراز علاقه کرد.

با پایان دفاعیات متهم، قاضی او را مجرم تشخیص داد و به تحمل سه سال حبس، ۵۰ ضربه شلاق و ۱۰ سال محرومیت از حقوق اجتماعی محکوم کرد.